



مریم حاجی عبد الباقی
استاد یار دانشگاه آزاد - تهران شمال

مروری گذرا بر مسأله «لباس و پوشش» در قرآن
ابتدا سیری بر مسأله پوشش و فلسفه آن خواهیم داشت، مسأله عفاف را که یکی از
ابعاد آن پوشش است، مورد توجه قرار می دهیم.

قرآن کریم برای لباس و پوشش، اهداف ذیل را بیان می نماید:

۱. پوشاننده عورات و زشتی ها و فضایح: یواری سوءاتکم (اعراف، ۲۶/۷)

سواء جمع سوءة، عبارت است از چیزی که ظهورش ناپسند است. ۱.

و آنچه انسان از ظهورش کراهت دارد. ۲.

کنایه از فروج، ۳ و زشتی ها. ۴.

۲. زینت و زیبایی و وسیله حسن حال و پیشرفت: ریش (اعراف، ۲۶)، اصل ریش

مجموع پر و پرندگان است که پوشش و لباس بدن آنهاست. ۵. پری که به انتهای تیر می بندند

که به سرعت سیر آن کمک می کند، ریش نام دارد. ۶.

آقای مصطفوی معتقد است ریش وسیله ای است که به وسیله آن بلندی و پیشرفت حاصل

می شود مثل پر پرواز پرندگان. این علو و ترقی می تواند مادی یا معنوی و روحانی باشد. ۷.

۳. حفظ و نگهداری از گرما و (سرما): تقیکم الحر (نحل، ۸۱/۱۶)

با پوشیدن لباس، بدن و پوست از گرما و به تبع آن از سرما محافظت می شود و لباس چون سپری بدن را از سوزش سرما و گرما حفظ می کند.

۴. محافظ بدن از صدمه های جنگ و بلاها و سختی ها و خطرات: تقیکم بأسکم

لکم (نحل/ ۸۱) و علمناه صنعة لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم (انبیاء، ۸۰/۲۱)

این پوشش شامل زره و لباس های محافظ امروزی در برابر خطرات شیمیایی و هسته ای نیز می شود.

از همان ابتدای خلقت و در داستان حضرت آدم (ع) پوشش و تمایل بشر به پوشانیدن عورات خود، از سوی قرآن کریم، مورد اشاره قرار گرفته است، از آنجا که این بیان در قرآن کریم، تکرار شده است، ذهن متوجه اهمیت خاص آن می شود.

سیر طرح مسأله در قرآن کریم به این شکل است:

الف) در چهار موضع به مسأله آشکار شدن سواه، بر اثر خوردن ممنوعه اشاره شده است یعنی آدم و حوا با خوردن میوه ممنوع متوجه عیوب و عورات خود شدند. (طه/ ۱۲۱ و اعراف/ ۲۰، ۲۲، ۲۷)

در آیه ۲۷ سوره اعراف ضمن اینکه برکنده شدن و جدا شدن لباس آدم و حوا، دلیل آشکار شدن فضایح آنان خوانده شده، این عمل به شیطان نسبت داده شده است.

ب) در دو موضع به مسأله اقدام آدم و حوا برای پوشانیدن خود بوسیله برگ های بهشتی اشاره شده است. (اعراف/ ۲۲ و طه/ ۱۲۱)

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة: الصاق و اطباق یعنی بر هم نهادن و چسبانیدن یعنی برگ ها را یک به یک بر بدن خود چسباندند و روی هم گذاردند تا عورتشان دیده نشود.^۸

درسی را که خداوند خود این ماجرا برای ما بیان می کند، طی دو آیه بیان شده است: یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سوءاتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یدتکرون. یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیربهما سوءاتهما انه یریکم هو و قبیلته من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون. (اعراف، ۷/ ۲۶-۲۷)

ای فرزندان آدم، در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را می‌پوشاند و برای شما زینتی است. و بهترین جامه (لباس) تقواست. این از نشانه‌های (قدرت) خداست. باشد که متذکر شوند.

ای فرزندان آدم، زنهار که شیطان شما را به فتنه اندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت‌هایشان را برآنان نمایان کند. در حقیقت، شیطان و قبیله‌اش، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینند، ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

در این آیات قرآن از لباس تقوی نام می‌برد، مسلماً بهترین زینت معنوی انسان تقواست که سبب پیشرفت معنوی انسان می‌شود انسان را از گناه و سختی عذاب، محافظت می‌کند و عیوب و نقایص انسان در پوشش و حصن تقوا، پوشانیده می‌شود.

طرح عفاف و حجاب در قرآن کریم

عفاف در حجاب، در سوره نور و احزاب در قرآن کریم مطرح شده است. اجمالاً می‌توان گفت: که در سوره نور احکام حجاب و عفاف به طور کامل در ابعاد فردی و اجتماعی مطرح شده است و در سوره احزاب یکی از مصادیق آن، یعنی مصداق اجتماعی آن و جایگاه اجتماعی و سیاسی زن، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در سوره نور از ابتدا تا انتها در رابطه با مسأله عفاف چنین سیری را مشاهده می‌کنیم:

۱. ابتدا احکام مرد و زن زنا کار بیان می‌شود. «آیه ۲ و ۳».

– تازیانه برای زنا کاران

– عدم جواز ازدواج با افراد زنا کار

۲. حکم قذف (تهمت زدن به زن پاکدامن) بیان می‌شود. (آیات ۴ و ۵ و ۲۳ و ۲۵)

۳. حکم لعان (لعنت متقابل بین شوهری که بدون داشتن شاهد به زن خود نسبت زنا

می‌دهد و زنی که این نسبت را انکار می‌کند). (آیات ۶ تا ۹)

۴. ماجرای افک (تهمت و تسلیم مؤمنین در ایجاد شایعه و دامن زدن به آن) و تقبیح

این عمل و آموزش نحوه رفتار صحیح به مؤمنان و هشدار، نسبت به عدم تکرار آن (آیات

۱۱ تا ۱۸)

۵. تحذیر از اشاعه فحشاء و استقبال از آن (آیه ۱۹)
۶. دستور عدم پیری از گامهای شیطان چرا که شیطان است که فرمان به فحشاء و منکر می دهد (آیه ۲۱)
۷. دستور عدم ورود به خانه های مسکونی دیگران جز در صورت:
- استیناس (طلب الفت). (آیه ۲۷)
 - سلام بر اهل خانه: (آیه ۲۷)
 - صدور اجازه ورود به خانه: (آیه ۲۸)
- خانه های عمومی و غیر مسکونی مثل بازارها و هتلها استثنا هستند.
۸. دستور رفتار عقیفانه برای مرد شامل: غض بصر (پایین انداختن چشم) و حفظ فرج (پاکدامنی) (آیه ۳۰)
۹. دستور رفتار عقیفانه برای زن، شامل: غض بصر و حفظ فرج و آشکار نکردن زینت و انداختن روسری به گردن و سینه (آیه ۳۱)
۱۰. دستور فراهم کردن امکان ازدواج برای مجردها و ضمانت الهی برای اغناء کسانی که فقیر هستند (آیه ۳۲)
۱۱. دستور استعفاف و حفظ خود برای مجردها تا زمان فراهم شدن امکانات (آیه ۳۳)
۱۲. تحریم وادار کردن کنیزان به خود فروشی (آیه ۳۳)
۱۳. دستور استیذان بردگان و اطفال برای ورود به حریم خصوصی زن و شوهر (آیه ۵۹)
۱۴. جواز رفع حجاب برای زنان باز نشسته (بائسه) در صورت خودنمایی و زینت نکردن (آیه ۶۰)
- همان گونه که مشاهده می شود، اسلام نظام عفاف و پاکدامنی را در قوانین فوق پایه ریزی می کند و توجه به یک حکم و نادیده گرفتن سایر دستورات، سبب عقیم ماندن اهداف مقدس دین، در پی ریزی سازمان عفاف در جامعه می شود.
- چنان که وقتی نوبت به سوره احزاب می رسد، دستورهای عفاف و حیاء و معاشرت صحیح اسلامی با جزئیات بیشتر و دقیق تر و سخت گیرانه تر همراه است، چرا که حساسیت نقش زنان پیامبر در جامعه از آن رو که وابسته به پیامبر اکرم (ص) و خاندان وحی

هستند، بیشتر است. در سوره احزاب از سوی زنان پیامبر (ص) به رعایت عفاف، توصیه می‌شوند و از سوی مردان ملزم به مراقبت بیشتر در معاشرت‌هایشان با زنان می‌شوند. نکته شایان ذکر دیگر اینکه در قرآن دستور استعفاف داده می‌شود، باید به تفاوت دو واژه استعفاف (نور/۶۰ و ۳۳) و استحياء (قصص/۲۵) با دو واژه عفت و حیاء توجه شود. درجه عفت و حیاء، در افراد، بدلیل عوامل ارثی و ژنتیکی و تربیتی، متفاوت است ولی استعفاف و استحیا یعنی رفتار عفیفانه از خود نشان دادن، از عهده افراد مختلف بر می‌آید و قابل امر کردن است.

برنامه و توصیه قرآن به استعفاف و استحیا، در قرآن کریم. در ابعاد زیر مطرح شده است. این ابعاد اگر همه در کنار هم رعایت شود، عفاف در جامعه حاکم می‌گردد، ولی عدم توجه به برخی ابعاد و بزرگ‌نمایی برخی ابعاد دیگر که در برخی جوامع و خانواده‌ها مشاهده می‌شود، سبب دوری از هدف اصلی می‌گردد.

۱. استعفاف در نگاه:

- رو به مردان: ۳۰ نور

- رو به زنان: ۳۱ نور

۲. استعفاف در دامن (پاکدامنی):

- رو به مردان: ۳۱ نور - ۳۵ احزاب - ۲۹ معارج - ۵ مؤمنون - فرقان ۶۸ و ۳۲ اسراء

- رو به زنان: ۳۱ نور - ۳۵ احزاب - ۱۲ ممتحنه - ۲۹ معارج و ۵ مؤمنون.

۳. استعفاف در گفتار:

- رو مردان: ۲۳۵ بقره

- رو به زنان: - محتوای: ۳۲ احزاب

- ظاهری: ۳۲ احزاب

۴. استعفاف در بدن: - رو به مردان: ۳۰ نور

- رو به زنان: ۳۱ نور

- ۵۹ احزاب: عدم آشکار کردن زینت: ۳۱ نور - خمر: ۳۱ نور - جلباب: ۵۹

احزاب.

۵. استعفاف در راه رفتن:

- روبه مردان: ۳۱ نور

- رو به زنان: تمشی علیاستحیاء: ۲۵ قصص

۶. استعفاف در رفتار و معاشرت و رفت و آمد:

- عمومی: عدم دخول به خانه غیر: ۲۷ نور

- فسألوهم من وراء حجاب: رو به مردان: ۵۳ احزاب

- عدم استیناس در گفت و گو: رو به مردان ۵۳ احزاب: ۲۳۵ بقره

- وقار و متانت و حفظ سنگر خانه: ۳۳ احزاب رو به زنان

- عدم تبرج: ۳۳ احزاب

فلسفه پوشش سراسری زنان: ۵۹ احزاب و ۳۳ احزاب و ۶۰ نور.

حال به بررسی مختصر هر یک از این ابعاد می پردازیم:

۱. عفت در نگاه: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم... (نور، ۳۰/۲۴)

وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن... (نور/۳۱)

غض بصر عبارتست از کف و نگه داشتن و کنترل چشم.^۹

برادران، برادر زادگان، خواهر زادگان، زنان مسلمان، بردگان، مردان بی نیاز به

همسر و لایضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن...: اطفالی که بر مسائل جنسی

زنان آگاهی ندارند، آشکار نکنند و پاهایشان به زمین نزنند تا زینتها مخفی آنان دانسته

شود.

نکاتی در شرح و تفسیر آیه لازم الذکر است:

خمر: جمع خمار و خمار روسری و مقنعه است.^{۱۰}

جیوب: جمع جیب یعنی گریبان و سینه و یقه است.^{۱۱}

اربه: نیاز و شدت حاجت را گویند.^{۱۲} یعنی مردانی که به زنان نیاز ندارند که شامل

مردان ختنی و مردانی که نیاز جنسی و مردانگی ندارند و یا عقل ندارند و ابله هستند، و یا

پیر و از کار افتاده هستند، می شود.^{۱۳} البته ارب به معنای عقل ذکر شده که در این صورت

یعنی بی عقلها و دیوانگان.^{۱۴}

درباره زینت چند نظریه از سوی مفسران و فقها ابراز شده است:

۱. مقصود از زینت در آیه، مواضع زینت است، یعنی محل بستن زینت یعنی گردن

و پا و دست و مانند آن . ۱۵

۲. زینت بر دو قسم است: زینت ظاهری و زینت باطنی: زینت ظاهره فرج و کفین است و زینت باطنه غیر آن . ۱۶

۳. زینت از (زان یزین) بر وزن فعلة: مصدری است که به معنای نوع خاص و شکل و هیأت عمل است. یعنی زینت عبارتست از: نوع و شکل خاصی از زیبایی و آرایش، اعم از زیبایی ذاتی یا عرضی که به کمک وسایل آرایش به دست آمده باشد، که با توجه به استثنای «الا ما ظهر منها» یعنی زیبایی هایی که خود به خود ظاهر است و در اختیار مکلف نیست و اساساً قابل پوشاندن هم نیست، مثل قامت زیبا و مانند آن، زیبایی های ذاتی یا عرضی قابل پوشاندن و قابل اظهار کردن، مورد نظر شارع است . ۱۷

ولی در این آیه به معنای ستر و حفظ از نگاه و پوشانیدن در برابر نگاه نامحرم است . ۱۸ حدیثی از امام صادق (ع) این نظر را تأیید می کند . ۱۹

باید توجه داشت همانطور که قبلاً نشان دادیم، این آیات، بعد از آیات مربوط به ورود به خانه غیر، قرار دارد.

پوشش برای مردان فقط شامل عورت می شود. ولی برای زنان علاوه بر عورات، پوشش در ادامه آیه ۳۱ نور، چنین بیان شده است: و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها: و زینت خود را (مواضع زینت) ظاهر نکنند، مگر آن زینتها که ظاهر می شود.

و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن: و باید قسمتی از روسری هایشان را بر گریبانشان بیندازند.

با توجه به حرف «ب» در بخمرهن، قسمتی از روسری قابل برداشت است.

و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن، و ابائهن او اباؤهن، و ابناءهن او ابناء بعولتهن: و زینتهای خود را جز در برابر شوهرانتان، پدران، پدران همسر، پسران، پسران همسر، او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ما ملکتن ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه من الرجال او الطفل الذین لم یظهوروا علی عورات النساء.

د. سوره اسراء آیه ۳۲، ز. سوره ممتحنه آیه ۱۲

۴. عفت و رزوی در گفتار:

در سوره بقره آیه ۲۳۵ خداوند به مردان دستور می دهد که در خواستگاری از زنان

با آنان قرار پنهانی نگذارند و در صورت ملاقات با آنان گفتار معروف داشته باشند.
در سوره احزاب به زنان پیامبر توصیه می شود که صدای خود را نرم نکنند تا افرادی را که در قلب هاشان مرض است به طمع نیندازند. این مسأله اشاره ای به فلسفه حجاب است که در آینده به آن خواهیم پرداخت و سپس توصیه می کند قول معروف و مناسب داشته باشند.

۵. استعفاف در راه رفتن:

۳۱ نور: و لا یضرین بارجلهن: پاهایشان را نکوبند تا زینت ها مخفی آنان آشکار شود.

۲۵ قصص: تمشی علی استحياء: دختر (شعیب) با حیاء ورزی در برابر موسی (ع)، راه می رفت.

۶. عفت در گفتار و معاشرت: که یکی از ابعاد بسیار مهم برقراری نظام عفت در جامعه اسلامی است که خود دارای ابعاد زیر است:

عدم تبرج زن: درباره تبرج التحقیق چنین آورده است. ۲۰ ریشه این ماده واجد است و عبارتست از ظهور و جلب توجه کردن هر چیزی که ظهور دارد و در جلب توجه بر چیزهای دیگر، پیشی می گیرد، برج نام دارد. به همین اعتبار به قصر بلند و مرتفع برج گفته می شود، و زنی که زینت و آرایش کرده و محاسن و زیبایی هایش را برای بیگانگان آشکار کرده و آنها را جلب خود نموده، تبرج کرده است. و نیز ستاره ای که در آسمان آشکار شود و نورش جلوه گری کند، برج نام دارد.

در قرآن کریم به فلسفه دستورهای عفاف و حجاب اشاره شده است، که قبلاً بدان اشاره داشتیم اینک مفصلاً به آن می پردازیم:

ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین (احزاب، ۵۹/۳۳) - فیطمع الذی فی قلبه مرض. (احزاب/۳۳)
قرآن در سوره احزاب می فرماید: زنان با رعایت پوشش، به خوبی و نیکی شناخته می شوند و مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرند. اینک با ذکر چند مثال، درصدد روشن کردن مطلب بر می آیم. همانطور که بشر برای راحتی و زیبایی و محافظت و مصون ماندن از مزاحمت و خطر، از پرده بهره می گیرد، اگرچه استفاده از پرده، محدودیت دید و منظر را، به همراه دارد ولی با این وجود چون محدودیتی است برای مصونیت و اسارتی است با

هدف آزادی بزرگ‌تر و مهم‌تر، عملی عاقلانه و پسندیده است یا مثلاً پوشیدن لباس های گرم و کلفت در فصل زمستان اگر چه ابتداءً مطلوب نیست ولی همه عاقلان جهان خرید لباس گرم و استفاده از آن در فصل سرما را، علی‌رغم زحمتی که برای انسان به وجود می‌آورد، تأیید می‌کنند. چرا که انتخاب و ترجیح یک مزاحمت کوچک برای به دست آوردن یک فایده و سود بزرگ که همان حفظ از سرما و بیماری است، کاری عاقلانه و صحیح است.

توصیه قرآن به زنان نیز به همین صورت است که عقل حکم می‌کند که زنان برای اینکه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و برای حفظ خود از خطر تعرض نامحرمان، محدودیت و زحمت حجاب را به جان بخرند و برای یک فایده بزرگ‌تر (آزادی از سوء استفاده جنسی) یک فایده کوچک‌تر (راحتی و بی‌حجاب بودن) را کنار بگذارند.

مسئله مهم دیگر این است که احکام تابع مصالح است. ممکن است همه کسانی که با ما برخورد می‌کنند مرض قلبی نداشته باشند، یا به یک اندازه مرض نداشته باشند ولی وجود حتی یک مریض، احتمال تعرض را ایجاد می‌کند. همان یک احتمال رعایت احتیاط را عقلانی می‌کند. مثلاً درمسئله رانندگی اگر ما در حالی که چراغ در چهار راه وجود ندارد یا قرمز است، از چهار راه عبور کنیم احتمال بروز تصادف صد درصد نیست، حتی گاهی در مواقع خلوت ۱٪ است. ولی همان ۱٪ مسئله رعایت احتیاط و نوبت را عقلانی می‌کند. درباره ضرورت حجاب و پوشش هم، همین مصلحت وجود دارد. چون در جامعه، مشخص نشده است که چه کسی مریض قلبی است و چه کسی سالم است و چه کسی قصد تعرض به بانوان دارد و یا سوء استفاده از معاشرت با آنان را دارد و چه کسی بی‌غرض و با حسن نیت با آنان برخورد می‌کند، و چه کسی بدون پوشش کامل، دچار وسوسه و رفتار خطرناک و نادرست، برای خود و جامعه می‌شود و چه کسی نمی‌شود، مصلحت حکم می‌کند که در سطح عمومی این احتیاط رعایت شود. همانطور که اگر ما احتمال دزد بودن تنها یک نفر، از صد نفری را که از کنار ماشین ما عبور می‌کنند، می‌دهیم، عقل حکم می‌کند که درب ماشین را قفل کنیم و مصلحت نیست که بی‌احتیاطی کنیم. در پایان امیدوارم این گفتار در تبیین مرزهای حجاب اسلامی و تشریح فلسفه آن، توفیق یافته باشد.

۱. قاموس قرآن، به نقل از: المنار، ۳/ ۳۸۴.

۲. المیزان، ۵/ ۳۱۲.

۳. مفردات غریب القرآن/ ۲۵۳.

۴. اقرب الموارد، ۱/ ۵۹۳.

۵. مونات/ ۲۱۴.

۶. لسان العرب، ۵/ ۳۸۸.

۷. التحقيق في كلمات القرآن، ۴/ ۲۵۴.

۸. اقرب الموارد، ۱/ ۳۲۱.

۹. لسان العرب، ۱۰/ ۸۲.

۱۰. همان، ۲/ ۲۱۱؛ اقرب الموارد، ۱/ ۳۴۰.

۱۱. همان/ ۴۳۳؛ همان/ ۲۱۰.

۱۲. مفردات/ ۱۱؛ العين/ ۲۲.

۱۳. تبيان/ ۴۳۰.

۱۴. العين/ ۲۲.

۱۵. المیزان، ۱۵/ ۱۱۲.

۱۶. تبيان، ۷/ ۴۲۹.

۱۷. گرجی، آیات الاحکام/ ۱۳۴-۱۳۵، با تلخیص.

۱۸. المیزان، ۱۵/ ۱۱۶؛ الکشاف/ ۷۲۶؛ ترجمه مجمع البیان، ۱۷/ ۱۲۷.

۱۹. کلینی، کافی، ۵/ ۵۳۰.

۲۰. التحقيق، ۱/ ۲۴۲.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم با ترجمه فولادوند

۲. آلوسی، تفسیر روح المعانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۳. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العين، تک جلدی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول ۱۴۲۱، هـ. ق.

۵. راغب اصفهان، مفردات، دارالکتاب العربی ۱۳۹۲، افست مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران.

۶. زمخشری، تفسیر کشاف، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ. ق.

۷. طبرسی، مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی، انتشارات فرهانی، تهران، ۱۳۵۴ ش.

۸. طبرسی، جوامع الجامع، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش، تهران.

۹. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۲۳ هـ. ق.